
بررسی رشد جمعیت بر ناهنجاری های اقتصادی - اجتماعی در شهر رودهن

سال ۱۳۹۱

علی اکبر ارشدی^۱، دکتر حسن هاشمی داران^۲

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تأثیر ساختار سنی جمعیت بر ناهنجاریهای اقتصادی و اجتماعی انجام گرفت. در اهمیت این تحقیق می توان بیان نمود که این گونه تحقیقات می تواند در کنترل جمعیت و همینطور کنترل ناهنجاری های اجتماعی و اقتصادی مفید باشد. روش تحقیق حاضر توصیفی - پیمایشی و جامعه آماری آن مردم شهر رودهن می باشند که از بین آنان ۳۶۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در بخش نظری کتابها و تحقیقات قبلی بوده است و در بخش میدانی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده که پایایی آن به مقدار (۰/۸۳) مورد تأیید قرار گرفت. داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل گشتند و نتایج نشان داد: تغییرات سنی بر تحصیلات اثر نداشته است. تغییرات سنی بر درآمد، اشتغال و مسکن اثر داشته است. همچنین تغییرات سنی جمعیت با فرزند پروری، عقاید مذهبی، شرایط محیط آموزشی و میزان شیوع جرم رابطه داشته است.

واژگان کلیدی: تغییرات سنی جمعیت، ناهنجاری اقتصادی - اجتماعی.

^۱ - کارشناس ارشد رشته جمعیت شناسی، دانشگاه آزاد رودهن، رودهن، ایران.

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد رودهن، رودهن، ایران.

مقدمه :

پدیده های اجتماعی حاصل شبکه ای از عوامل زیستی، روان شناختی و اجتماعی است. تعیین هر پدیده اجتماعی مستلزم شناخت مجموعه ارتباطات این شبکه ها با یکدیگر است در زمینه ناهنجارهای اجتماعی و اقتصادی تحقیقات بسیاری به انجام رسیده که نشان می دهد زمینه های مساعد فردی، عدم اتکا به نفس، عقده های دوران کودکی، تمایلات سرکوب شده، فضای نامناسب عاطفی، خانواده های از هم گسسته و پر ستیز، وجود فرد معتاد در خانواده، فقر اقتصادی، بیکاری، محیط اجتماعی نامناسب، در دسترس بودن و فراوانی مواد محرک، کم سواد و عدم شناخت کافی، ناهماهنگی در ساختار و کار کردهای نهادهای اجتماعی و ... که همگی بیانگر فراهم نمودن زمینه ناهنجاری های اجتماعی و اقتصادی و انحرافات هستند. وجود هر یک از این عوامل بسته به شدت وضعیتشان و برداشت های فردی از موقعیت های مختلف بخشی از انرژی و انگیزه لازم را برای انجام رفتار ناهنجار اجتماعی و ضد اجتماعی و ارتکاب بزه را فراهم می آورد و در واقع فرد با ارتکاب رفتار ناهنجار درصدد بازگرداندن تعادل از دست رفته خود می باشد. (بیرو، ۱۳۷۵)

بیان مسئله

در سال های اخیر پژوهش های جمعیت شناختی به ویژه در زمینه تغییرات و دگرگونی های جمعیتی مورد توجه و مطالعه بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان قرار گرفته است. از جمله دلایل این توجه روزافزون، می توان به تأثیر ساختار جمعیتی بر رفاه عمومی، عدالت، اشتغال و در نهایت هنجارهای اجتماعی پرداخت (لایر و همکاران، ۲۰۰۶). در بررسی عوامل مؤثر بر هنجارهای اجتماعی عوامل فراوانی همچون قوانین حاکم بر جامعه فرهنگ، رشد جمعیت، ثبات جوامع، نقش دولت، نوع نظام سیاسی کشور و بسیاری عوامل دیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما در این میان یکی از عوامل مهم و اثرگذار، که کمتر به نحوه اثرپذیری و اثرگذاری آن بر هنجارهای اجتماعی پرداخته شده، ساختار سنی جمعیت است. (طهاری، ۱۳۷۰)

در فاصله دو سرشماری سال های ۶۵-۱۳۵۵ همسان با روند عمومی جمعیت در سطح کل کشور که شاهد خیل عظیم مهاجرت روستاییان به جانب نقاط شهری بوده ایم با تبدیل شدن رودهن به یک نقطه شهری بزرگتر، این شهر نیز در این دوره سیری هماهنگ با سایر نقاط شهری کشور را که همانا جمعیت پذیری و مهاجرپذیری شدید بوده است داشته و جمعیت خود

شهر رودهن تقریباً در این دهه به ۲ برابر افزایش یافته است. (وثوقی، ۱۳۸۳) سیل جمعیت از شهرهای مختلف به خصوص تهران با شدت بیشتری در طی سال های ۷۰-۱۳۶۵ به جانب رودهن و حومه سرازیر گردید به طوری که جمعیت این شهرها از ۱۳۸۱۶ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۲۰۱۳۲ نفر در سال ۱۳۷۰ بالغ گردیده است. با توجه به این مهم که بعد از سال ۱۳۶۵ روند تحولات جمعیتی در سطح کل کشور تقریباً متعادلتر گردیده است و مطالعات جمعیتی در خصوص سایر شهرها افت شدید نرخ رشد جمعیت را نشان می دهد، که بایستی تغییر ایجاد شده در الگوی باروری را نیز در آن دخیل دانست (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). اما شهر رودهن هم چنان از نرخ رشد سالانه بسیار بالایی در حد ۷/۸ درصد در طی سال های ۷۰-۱۳۶۵ برخوردار بوده است بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی اثر ساختار سنی جمعیت بر ناهنجاری های اجتماعی اقتصادی شهر رودهن است

هدف های پژوهش

هدف اصلی

شناخت تاثیر تغییر سنی جمعیت بر ناهنجاریهای اقتصادی و اجتماعی در شهر رودهن

هدف های فرعی

- تعیین تأثیر تغییر سنی جمعیت بر پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده ها
- تعیین تأثیر تغییر سنی جمعیت بر فرزند پروری در خانواده
- تعیین تأثیر تغییر سنی جمعیت بر عقاید مذهبی
- تعیین تأثیر تغییر سنی جمعیت بر شرایط محیط آموزشی
- تعیین تأثیر تغییر سنی جمعیت بر میزان شیوع جرم

مبانی نظری

رشد جمعیت یکی از عنصر های برانگیزنده توسعه اقتصادی است. عدد بالای جمعیت، تأمین کننده نیروی کار ارزان و تقاضا بوده، در نتیجه تولیدکنندگان را قادر می سازد که به هزینه پایین تولید بالا داشته باشند.

اما دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی نیازمند شناخت عوامل و امکانات بالقوه و به کارگیری درست آنها است. تغییر ساختار سنی جمعیت که در نتیجه تغییر نرخ رشد جمعیت به وجود می آید می تواند اثرات مهم و تعیین کننده بر رشد اقتصادی داشته باشد. تغییر ساختار سنی جمعیت از راه های مختلف بر رشد اقتصادی تأثیر می گذارد. از یک طرف با تغییر سهم جمعیت در سن کار از کل جمعیت، بازار نیروی کار را متأثر می سازد و از طرف دیگر، بر اساس نظریه چرخه زندگی، مصرف و در نتیجه پس انداز و سرمایه گذاری را تحت تأثیر قرار می دهد در ایران با وجود نرخ رشد ۹/۳ درصدی جمعیت در فاصله سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵ یک انبوه جمعیت جوان به وجود آمد. اینک این انبوه جمعیت، مانند موجی رده های سنی را پیموده و به سن کار رسیده است.

این تغییر ساختار سنی مشروط بر اینکه این جمعیت در سن کار بتواند وارد بازار کار شده و شاغل شود، می تواند اثرات مثبت بر رشد اقتصادی داشته باشد (اندرسون، ۲۰۰۱: ۳۸۱)

تمایل و اشتیاق عمومی به داشتن فرزند، امری است که در تمام جوامع بشری وجود داشته و خواهد داشت (جباریان، ۱۳۸۵: ۲۴). عواملی وجود دارد که خانواده ها و زوج ها را وادار می کند تا بعد خانواده ها را در حدمعینی نگه دارند. در یک نظام اقتصادگرایانه فرزندان نوع خاصی از کالا تلقی می شوند که دارای هزینه های خاص برای تولید و نگهداری و همچنین دارای سود و فایده خاص می باشند. فواید اقتصادی فرزندان شامل مشارکت آنان در ارتقاء ظرفیت تولیدی خانواده پس از رشد کافی و تا حدی تضمین مراقبت از والدین در سنین پیری ایشان است. هزینه های اقتصادی شامل مخارج، مراقبت های پزشکی مادر در دوره حاملگی و رفع نیازهای فرزندان از نظر تغذیه، مسکن، مراقبتهای پزشکی و آموزشی است (گیلیس و همکاران، ۱۳۷۹).

امروزه مردان کمتر می توانند نان آور اصلی خانواده باشند. خرج تحصیل کودکان بیشتر شده و مدت تحصیل نیز طولانی تر گشته است. در عصر حاضر که امکان برای اینکه کودکان با کار پاره وقت یا فصلی خود به درآمد خانواده کمک کنند، روز به روز کمتر می شود، هزینه های چرخاندن خانواده به سرعت رو به افزایش است و این درست هنگامی است که توانایی کسب درآمد خانواده در حال افول می باشد. در نتیجه کودک از دیدگاه تحلیل اقتصادی کالای مصرفی گران قیمتی است که روز به روز گران تر می شود. (تامر^۱، ۱۹۹۵). یکی از صاحب

^۱- Tamar

نظران این تئوری ها روی لاینشتاین^۱ است. او فرض می کند که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان، عامل مؤثر بر والدین برای تصمیم گیری در مورد تعداد فرزندان است. طبق تئوری لاینشتاین سه نوع منفعت و دو نوع هزینه در مورد فرزندان وجود دارد (کوئن، ۳۱۷۱)

لاینشتاین نتیجه می گیرد که اگر منافع اقتصادی حاصل از فرزند بیشتر از هزینه های دوگانه آن باشد، خانوار انگیزه پیدا می کند که فرزندان بیشتری داشته باشد (بهندا^۲، ۱۹۸۱).

برطبق نظریه باروری مبتنی بر تقاضا، خانواده از میان تمام ترکیبات قابل حصول، ترکیبی از کالا و بچه انتخاب می کند که رضایت خانواده را بر پایه توجیبهات ذهنی تعیین شده اش به حداکثر برساند (شهرآرای، ۱۳۷۸، ۲۱۴).

رشد سریع جمعیت در کشورهای جهان سوم توانسته است توسعه آینده این کشورها را با مشکلات متعددی مواجه سازد. توسعه نه تنها از ابعاد کمی جمعیت و در نتیجه از افزایش تقاضا برای غذا، مسکن، شغل، خدمات، آموزش، بهداشت، انرژی و سایر نیازمندی های زیستی تأثیر می پذیرد، بلکه تغییرات نرخ رشد جمعیت و افزایش سریع آن در برخی مقاطع نابسامانی هایی در برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده و بر بخش های خدماتی و تولیدی فشار مضاعف وارد می کند.

مهم ترین پیامد منفی رشد سریع جمعیت عبارت اند از: تقلیل درآمد سرانه، افزایش تقاضای اشتغال و بی کاری، افزایش شتابان تقاضای مصرف تولیدات و خدمات (در قالب افزایش تقاضای مواد غذایی، افزایش تقاضا برای مسکن، افزایش تقاضا برای آموزش و پرورش، افزایش تقاضا برای خدمات بهداشتی و درمانی و افزایش تقاضا برای انرژی) که در نهایت باعث توسعه نامتعادل و تقلیل کیفیت می گردد.

در مجموع سیر فزاینده جمعیت باعث شده تا بخش قابل توجهی از منابع توسعه ملی به جای اختصاص یافتن به فعالیت های تولیدی صرف جوابگویی به تقاضاهای مصرفی جمعیت رشد یابنده شود. مسلماً ادامه چنین وضعیتی بحران اقتصادی و اجتماعی این کشورها را در پی خواهد داشت.

1. Leivenstein

2. Bhenda

تئوری های ارتقاء اجتماعی

اولین دانشمندی که در این زمینه اظهار نظر می نماید، آرسن دومونت^۱ فیلسوف فرانسوی است. او اعتقاد دارد که تعداد فرزند در هر خانواده ارتباط زیادی با منزلت و ترقی در رده های اجتماعی بیشتر باشد، (همانند بسیاری از جوامع توسعه نیافته مبتنی بر کشاورزی) خانواده ها ترجیح می دهند که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند (بهناد، ۱۹۸۸).

این تئوری که مبتنی بر انگیزه های فردی - روانی زوج ها در مورد رفتار باروری است، یکی از زیربنایی ترین مباحث نظری است که در این مورد وجود دارد. این تئوری که «شعور اجتماعی» نامیده می شود، عنوان می کند که افزایش جمعیت در یک نسبت معکوس با پیشرفت فرد گرایی دارد.

تئوری نوگرایی

این نظریه بیانگر این مطلب است که نوسازی و مدرن شدن سبک زندگی و تفکر افراد، باعث رشد تفکرات آینده نگر و داشتن زندگی مرفه تر می باشد که باعث می گردد توجه انسان به خانواده ضعیف گردد. پدیده نوگرایی عبارت است از مجموعه ای از نظام ارزش ها و رفتارها که در جوامع کنونی، گسترش فراوان یافته است.

نتشستاین بیان کرد که رشد جمعیت اروپا در عصر جدید، ابتدا مربوط به کاهش مرگ و میر است که عامل آن افزایش سطح زندگی و کنترل بیماری ها در اثر فرایند مدرنیزه شدن می باشد. باروری نسبت به فرایند مدرنیزه شدن خیلی آهسته واکنش نشان داد. اما نهایتاً کاهش باروری از طریق گسترش استفاده از وسایل جلوگیری از باروری شروع شد، که این امر تحت تأثیر عوامل فردگرایی و افزایش سطح خواسته ها در زندگی صنعتی و شهری بود. نتشستاین تأکید کرد، که واکنش نسبت به مرگ و میر در اثر فرایند مدرنیزه شدن احتمالاً نسبت به باروری اجتناب ناپذیر است. (عضدانلو، ۱۳۸۶)

رشد جمعیت و سرمایه گذاری زیربنایی اجتماعی

افزایش جمعیت نیاز به سرمایه گذاری فراوان در تسهیلات زیربنایی اجتماعی را افزایش می دهد و موجب انتقال منابع از بخش های مولد به طرح های غیر مولد می گردد. از این رو، به دلیل کمبود

1. Arsen Dumont

منابع، دستیابی به تسهیلات اجتماعی مانند آموزش، بهداشت، مسکن، حمل و نقل برای تمام جمعیت کشور محدودتر می شود. در نتیجه کیفیت این خدمات افت می کند. مثلاً هر مقدار که نرخ رشد جمعیت بیشتر باشد باید امکانات بیشتری برای آموزش تخصیص یابد. (قره باغیان، ۱۳۷۸)

جمعیت و توسعه نیافتگی

نام مالتوس نظرها را متوجه این حقیقت ساده و دردناک می کند که هرچه رشد عددی جمعیت بیشتر باشد، رشد درآمد سرانه کمتر خواهد بود. از آنجا که منابع اقتصادی محدود است هرچه جمعیت افزایش یابد منابع موجود بین افراد بیشتری توزیع می گردد. در نتیجه به هر نفر سهم کمتری می رسد و رفاه سرانه کاهش می یابد.

مراحل توسعه جمعیتی از نظر رابینسون

نرخ بالای زاد و ولد و نرخ بالای مرگ و میر؛ در این مرحله رشد جمعیت پایین است و نام این مرحله «رکود جمعیت» است.

نرخ بالای زاد و ولد و نرخ پایین مرگ و میر؛ این امر در اثر بهبود شرایط بهداشت و عرضه مناسب مواد غذایی اتفاق می افتد که از آن به «انفجار جمعیت» یاد می شود.

نرخ پایین زاد و ولد و نرخ پایین مرگ و میر؛ این مرحله به تدریج با آموزش بهتر، برنامه های تنظیم خانواده، افزایش نسبی جمعیت شهر نشین و بالا رفتن سطح زندگی به دست می آید.

رفتار اجتماعی و روابط اجتماعی از طریق هنجارها که منظور شیوه های جا افتاده رفتار است و حد و حدود آن را تعیین می کند تنظیم می شود یک هنجار تعیین می کند که فرد در شرایط گوناگون چه رفتاری باید یا نباید داشته باشد. البته همیشه این امکان است که رفتار فرد با آنچه که از او انتظار می رود مطابقت نداشته باشد، به ندرت ممکن است افراد نسبت به موقتی بودن هنجارهای اجتماعی یک فرهنگ یا یک خرده فرهنگ آگاهی داشته باشند، چرا که هنجارها آموخته می شوند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابند. (شامبیانی، ۱۳۷۳)

هنجارها برحسب میزان ارزش اهمیت و پذیرش در میان مردم یک جامعه یکسان نیستند به طوری که سامنر یکی از پایه گذاران جامعه شناسی آنها را به سه گروه تقسیم می کند.

کج روی و ناهنجاری اجتماعی، رفتای است که به طریقی با انتظاراتهای مشترک اعضای جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را نادرست و ناپسند می دانند
 مرتن: علت ناهنجاری ها، شکاف بین اهداف و ابزار مقبول اجتماعی است.
 ب) کوئن: علت ناهنجاری ها، شکاف بین اهداف و ابزار مقبول اجتماعی بر اساس ناکامی منزلتی افراد است.

ساترلند: از پیوند افتراقی بحث می کند و علت ناهنجاری را تعداد بیشتر تماس انحرافی می داند.

برگس وایکزر: با طرح موضوع تقویت افتراقی، این نکته را عنوان کرده اند که اگر کج رفتاری و هنجار شکنی (در برابر هم نوایی) با میزان فراوانی واحتمال بیشتر (رضایت بخش تر) باشد، افراد آن را بر هم نوایی ترجیح می دهند.

هرشی: مهم ترین نظریه پرداز در این زمینه به شمار می آید ومدعی است پیوند میان فرد و جامعه، مهمترین عامل هم نوایی وعامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن، سبب هنجار شکنی می شود.

دورکیم معتقد است که وجدان جمعی الهام بخش رفتار فردی است، و شعور جمعی به وجود آورنده آداب و رسوم اجتماعی و مبنای پدید آمدن کلیه اخلاقیات است. هر عملی را که جنبه های قوی وجدان جمعی را بطور مشخص جریحه دار کند و برخی احساسات جمعی را که از پاکی و صفایی خاص برخوردار است مورد اهانت قرار دهد، جرم محسوب می شود.

دورکیم مفهوم آنومی را از آسیب شناسی ارگانسیم گرفته که یکی از موثرترین تبیین های اجتماعی در آسیب های اجتماعی است، او آنومی را یک نابسامانی فردی در آدم که به علت نابسامانی نمی تواند هنجارها را بفهمد و عمل کند پس رفتاری را نشان می دهد که امروزه ما آن را ناهنجاری می گوئیم و فرد یک اختلال در یادگیری هنجارها دارد.

انتخاب چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش

از آن رو که هر پژوهش بر ستون های تئوریک استوار می باشد پس از گزارش نظریه های مختلف نوبت آن است که با استفاده از آنها بتوانیم بررسی ها را پیرامون موضوع پژوهش شکل داده و به شناخت عوامل مؤثر بر هنجارشکنی برسیم. هدف از بیان نظریه ها پی بردن به ارتباط چارچوب نظری مناسب با سؤال های پژوهش می باشد. بنابراین در این قسمت سعی می شود

که قضایای استنتاج شده از نظریه ها که مبنای علت وعلل ناهنجاری های اجتماعی را بیان میدارند را مورد توجه قرار داده تا به شناخت هر چه بیشتر علل هنجارشکنی برسیم. در پدیده های علوم اجتماعی کمتر نظریه ای را می توان دید که از طریق آن تنها یک راه را تحلیل و تبیین کرد و بر یک راه تاکید داشته باشد. بلکه مجموع مسائل در بر گیرنده آن پدیده هستند و نمی توان مسائل دیگر را نادیده گرفت. بنابراین سعی می شود با توجه به دیدگاه ها و نظریات جامعه شناسان مختلف از آنها سود برده شود و در بحث هنجارشکنی، به خصوص سعی می شود از نظریات ادوین ساترلند، دورکیم، هرشی، و مرتن بهرمنند شده و از بین اینها نظریات ساترلند را برجسته هر و پررنگ تر دید.

نام نظریه پرداز	خلاصه نظریه	متغیرها یا مفاهیم
هرشی	نظریه کنترل اجتماعی: در این نظریه آمده است کج روی، ناشی از ضعف یا گسستگی و وابستگی فرد از خانواده و جامعه است. و باید احساس هم نوایی افراد را با استفاده از مکانیزم های مختلف بالا برد.	کنترل والدین بر روی فرزندان، ارضای نیازهای عاطفی و روابط عاطفی خانواده
ساترلند	نظریه یادگیری یا فراوانی معاشرت: بر طبق این نظریه رفتارهای منحرف از طریق برقراری ارتباط متمایز فرد با دیگران و محیط آموخته می شود. به نظر ساترلند زمانی فرد به عمل مجرمانه دست می زند که آمیزش و معاشرت او با کسانی که موافق شکستن قاعده اند بیش تر از کسانی است که با شکستن قاعده مخالفند.	متغیرهای محیط اجتماعی نامناسب و گرایش به گروه همسالان
دورکیم	دورکیم در آنومی و بی هنجاری به رابطه بین انحراف و تضعیف هنجارها اشاره دارد و به اعتقاد وی این انحراف نوعی عکس العمل مردم جامعه در حال انتقال از مرحله سنتی به مدرن است. او معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار آرزوها از طریق هنجارها تحدید می شوند و با ناهنجاری ها و به تبع آن از بین رفتن آرزوها، آنومی یا یک وضعیت غیرقابل تحدید آرزوها ایجاد می شود که دست نیافتنی می شوند، پس یک وضعیت نارضایتی اجتماعی	پایبندی دینی

دائمی ایجاد می شود که خود را به شکل های مختلف نشان می دهد. بنابراین دورکیم افزایش سطح توقعات و آرزوها و خواسته را عامل دیگر در بروز انحرافات اجتماعی می داند که در مورد جوانان هم تحقق پیدا می کند و در این پژوهش کاربرد دارد. هم چنین دورکیم به این هم اشاره دارد علیرغم تاکیدش بر اعمال نظارت خارجی به عنوان مهار کننده آرزوهای انسانی برای دین و مذهب به عنوان یک عامل نظارت درونی نقش ویژه ای قائل است به نظر او دین یک پدیده سراسر جمعی و باعث انسجام اجتماعی می شود و یک الزام اخلاقی ایجاد می کند پس هر چه این نظارت درونی (مذهب) کمتر شود، احتمال بروز رفتار انحرافی بیش تر می شود که یکی دیگر از سوال های پژوهشی مصداق پیدا می کند.

نام نظریه پرداز	خلاصه نظریه	متغیرها یا مفاهیم
مرتن	نظریه آنومی اجتماعی و فشار مرتن در بیان نظریه خودش به هدف و وسایل مشروع برای رسیدن به هدف اشاره دارد وی معتقد است وقتی شوق رسیدن به پله های رفیع اجتماعی در فرد و یا در جامعه به فزونی رود افراد کمتر به محدودیت های اجتماعی و هنجارها پایبند شده و آنها را رعایت می کنند چون می خواهند به هدف برسند در نتیجه وقتی رابطه بین اهداف و وسایل و راه های رسیدن به هدف توازن خود را از دست می دهد در آن صورت افرادی که در یک ساختار اجتماعی بیش تر تحت فشار باشند بیش تر از بقیه رفتار انحرافی را از خودشان نشان می دهند یا می توان نتیجه گرفت که در دانش آموزان طبقات پایین جامعه چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی وقتی رابطه هدف و راه رسیدن به آن تغییر کند چه شرایطی پیدا می کنند، مثلاً گروه پایین تر هر روز در وسایل ارتباط عمومی و رسانه ها، تبلیغ کالاهایی را می بینند که دوست دارد داشته باشند و جزء اهدافشان می شود اما دستیابی به آموزش و راههای ارتقاء برای کسب درآمد و رسیدن به آن اهداف مقدور نیست (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۳۱).	شکل گیری نیازهای جدید، درآمد، پایگاه اجتماعی

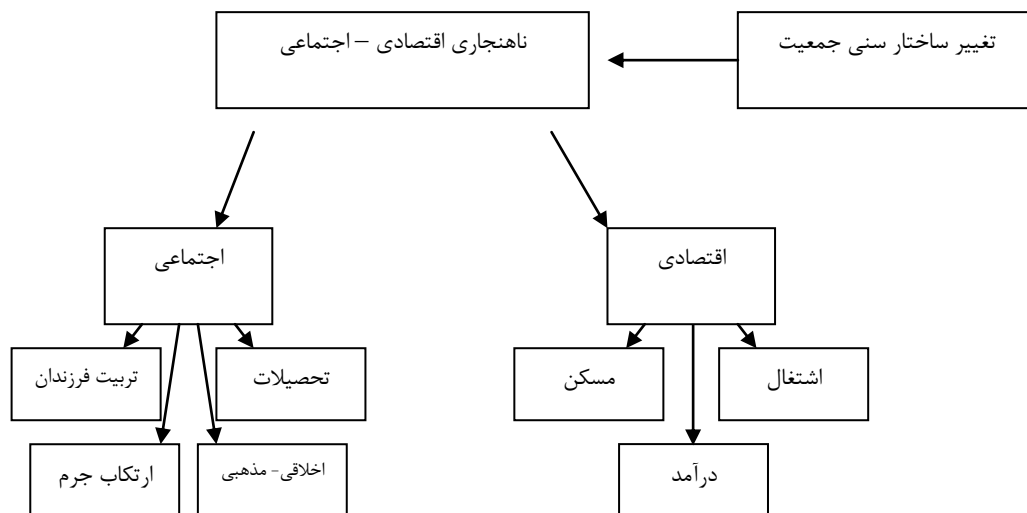
در مجموع از نظریات مرتن می توان این چنین نتیجه گرفت که شکل گیری بعضی نیازهای جدید و امروزی و میزان تفاوت یا تضاد بین هدف پذیرفته شده و توانایی دستیابی برای رسیدن به آن عاملی تعیین کننده برای انحراف است .

متغیر هنجار شکنی	نظریه برچسب: بیکر سعی می کند نشان دهد که برچسب خوردن یک جریان اجتماعی روانی است که بر تصور از خود فرد تأثیر می گذارد و به تدریج تعهدی آگاه به این عمل شکل می گیرد، در این شرایط که فرد برچسب کجرو را با خود دارد، ایفای نقش های اجتماعی او تحت تأثیر قرار می گیرند. یعنی فرد انگ خورده برای دفاع از خود یا انطباق با شرایط جدید ناچار است رفتار دیگری را در جامعه پیش گیرد . لمرت معتقد است که انگیزه کج رفتاری در سطحی وسیع در جامعه وجود دارد، اما زمانی که کج رفتاری کشف گردید و فرد به عنوان کجرو برچسب خورده تعهد فرد به کج رفتاری در اثر فشارهای ناشی از این برچسب بیش تر می شود، یعنی برچسب خورده بیش از فرد برچسب نخورده به سوی کج رفتاری سوق پیدا می کند (لمرت، ۱۹۶۷، ص ۵۳-۵۴)	هاوارد بیکرد ولمرت
متغیر اقتصادی	تغییر ساختار سنی جمعیت با در نظر گرفتن نرخ رشد جمعیت به شکل تابعی از درآمد سرانه در مدل رشد وارد می شود	سولو
متغیر تربیت فرزند	در تعاملات درون اعضاء باید کودک به بلا تکلیفی روانی مبتلا نشود و بتواند ساختار خانواده را درک کرده، نقش خانواده را دریافته و از طرق شیوه فرزند پروری دموکراسی، مناسب ترین الگوی تعاملی را به کار گیرد. هر گونه شیوه فرزند پروری نامناسب که از روند دموکراسی خارج می گردد و به شیوه دیکتاتوری و هرج و مرج منجر می شود، موجبات بلاتکلیفی روانی را در کودک ایجاد کرده و آسیب پذیری خاصی را در کارکرد خانواده و اجتماع ایجاد می کند	بیتسون

مدل مفهومی

با توجه به مدل مفهومی می توان گفت که تمامی عوامل و فاکتورهای تأثیرگذار بر روی هنجار شکنی یا یکدیگر در تعامل می باشند و به صورت اجزا یک سیستم بر هم عمل می کنند

و از هم تاثیر می پذیرند، و عدم توجه به هر یک از مسائل، به نوبه خود می تواند بر روی کل سیستم تاثیر بگذارد و همه آنها به نوعی تحت تاثیر شاخص تغییر سنی جمعیت هستند.



روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی (پیمایش) استفاده شده است. پژوهش توصیفی به پدیده هایی می پردازد

جامعه آماری ما کلیه ساکنان شهر است. اما به جهت اینکه تنها مسئله تحقیق عامل تعیین کننده جامعه نیست، بلکه عوامل دیگری نظیر محدودیت های عملی، امکانات، هزینه های زمانی و عدم دسترسی ایده ال به جامعه آماری مطلوب دخیل می باشند که باعث تحدید جامعه آماری شده است.

همان طور که بیان شد جامعه آماری مورد مطالعه در تحقیق حاضر، کلیه ساکنان از کلیه سنین و از کلیه ادارات و اصناف شهر رودهن می باشند و انتخاب تعدادی از افراد جامعه مشخص و تعریف شده بالا، نمونه آماری را تشکیل می دهد. بنابراین نمونه آماری تحقیق حاضر، با استفاده از فرمول آماری حجم نمونه، محاسبه گردیده که ۴۰۰ نفر می باشد.

پس از نحوه سنجش متغیرها در قالب گویه ها و طیف ها و سؤال ها و تبدیل آنها به معرف ها، ابتدا لازم است برای آزمون فرضیه های تحقیق، مجموعه سوال ها و طیف ها در قالب یک پرسش نامه تدوین شود.

برای تنظیم پرسش نامه این تحقیق چند نکته مورد توجه قرار گرفته است اولین اصل، مصاحبه و تنظیم پرسش نامه مبتنی بر نظریه یادگیری است. وظیفه پرسشگر این است که هدف تحقیق و رابطه آن را با مردم و مسائل آن و لذا فایده غیرمستقیم تحقیق را بطور واضح تشریح کند و از این طریق تمایل آنها را به تحقیق برانگیزد (رفیع پور، ۱۳۷۲: ص ۵۲). پرسش نامه تحقیق حاضر با رعایت ضوابط خاص پرسش نامه، پرسشگری و مصاحبه تنظیم و تهیه شد. در این پرسش نامه سؤال ها در شش قسمت طراحی شده است:

الف- در قسمت اول، خصوصیات فردی مطرح شده است
ب- در قسمت دوم، پایگاه اجتماعی و اقتصادی از لحاظ سطح سواد، شغل، وضعیت مکسن و درآمد

پ- در قسمت سوم، روش تربیتی در خانواده مطرح شده است.

ت- در قسمت چهارم، هنجارشکنی های مشاهده شده توسط پاسخگویان به سؤال گذاشته شده است

ث- در قسمت پنجم، سؤال هایی در مورد شرکت در مراسم مذهبی مطرح شده است

ج- در قسمت آخر سؤال هایی در مورد محیط آموزشی مطرح شد.

اعتبار و پایائی ابزار

پس از تهیه گویه ها و سؤال ها و ساخت پرسشنامه، اصلاحات لازم توسط اساتید محترم به عمل آمد

پرسش نامه مقدماتی روی ۳۷ نفر از پاسخ دهندگان اجرا شد پس از استخراج داده ها و تحلیل آنها از طریق فرمول آلفا کرانباخ نتایج نشان داد که ضریب همسانی درونی سؤال های هنجارشکنی پرسش نامه برابر (۰/۸۳) برآورد شد که حاکی از همسانی درونی بین سؤال ها است. دامنه ضریب آلفا کرانباخ از صفر تا یک است ($0 < \alpha < 1$).

یافته ها

به نظر می رسد تغییر سنی جمعیت در سطح تحصیلات تفاوت ایجاد می کند.

جدول ۱: خلاصه تحلیل واریانس مربوط به فرض اول

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
		۸۸/۶۹۲۲	۴	۳۵۴/۷۶۸	بین گروه ها
۰/۴۲۷	۱/۷۴۳	۵۳/۹۱۵۷	۳۵۵	۲۰۱۱۰/۲۴۷	درون گروه ها
			۳۵۹	۲۰۴۶۵/۰۱۵	جمع

بین سطوح مختلف سنی در خصوص تحصیلات تفاوت معناداری وجود ندارد.

به نظر می رسد تغییر سنی جمعیت در اشتغال تفاوت ایجاد می کند.

جدول ۲: خلاصه تحلیل واریانس مربوط به فرض دوم

سطح معناداری	F محاسبه شده	مجموع میانگین	درجه آزادی	میانگین مجذورات	منابع تغییرات
۰/۰۰۰	۱۹۸/۳۷۲	۴۳۵۴/۱۷۵	۳	۱۳۰۶۲/۵۲۵	بین گروه ها
		۱۹/۶۶۹	۳۵۶	۲۸۸۸/۲۲۵	درون گروه ها
			۹۹	۱۵۹۵۰/۷۵۰	جمع

بین آزمودنی های متعلق به گروه های سنی گوناگون در زمینه اشتغال تفاوت معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد تغییر سنی جمعیت در درآمد تفاوت ایجاد می کند.

جدول ۳: خلاصه تحلیل واریانس مربوط به فرض سوم

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۴۱	۵/۹۳۹	۲۸۰/۱۰۴	۳	۸۴۰/۴۰۲	بین گروه ها
		۵۰/۷۰۶۵	۳۵۶	۱۷۸۰۸/۱۰۵	درون گروه ها
			۳۵۹	۱۸۶۴۸/۵۰۷	جمع

بین افراد با شرایط سنی متفاوت در خصوص درآمد در شهر رودهن تفاوت معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد تغییر سنی جمعیت در مسکن تفاوت ایجاد می کند.

جدول ۴: خلاصه تحلیل واریانس مربوط به فرض چهارم

سطح معناداری	F محاسبه شده	مجموع میانگین	درجه آزادی	میانگین مجذورات	منابع تغییرات
۰/۰۰۰	۸۴/۸۳۰	۴۷۰۹/۲۳۷	۲	۹۴۱۸/۲۳۷	بین گروه ها
		۵۶/۴۵۴	۳۵۷	۱۵۵۳۲/۵۱۳	درون گروه ها
			۳۵۹	۲۴۹۵۰/۷۵۰	جمع

بین آزمودنی های متعلق به گروه های سنی متفاوت در شرایط مسکن تفاوت معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد بین تغییر سنی جمعیت و فرزندپروری در خانواده رابطه وجود دارد

جدول ۵: رگرسیون مربوط به فرضیه پنجم

متغیر وابسته فرزند پروری				
پیش بینی کننده ها	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	t	سطح معناداری
عدد ثابت	-۱۰/۳۹۵	۰/۳۲۹	-۳۱/۷۵	...
تغییر سنی جمعیت	۰/۲۸۹	۰/۲۹۲	۸/۵۳۵	...

بین افراد با گروه سنی بالا و پایین در فرزند پروری تفاوت وجود دارد و به عبارتی می توان مطرح کرد که تغییر سنی جمعیت بر فرزند پروری تأثیر دارد. به نظر می رسد بین تغییر سنی جمعیت و عقاید مذهبی رابطه وجود دارد.

جدول ۶ رگرسیون مربوط به فرضیه دوم (شرایط بهداشتی و سلامت عمومی)

متغیر وابسته عقاید مذهبی				
پیش بینی کننده ها	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۶/۴۵۲	۰/۳۳۴	۱۹/۳۳۸	...
تغییر سنی جمعیت	۰/۳۴۲	۰/۲۹۴	۹/۹۸۵	...

تغییر سنی جمعیت در عقاید مذهبی تأثیر دارد.

به نظر می رسد بین تغییر سنی جمعیت و شرایط محیط آموزشی رابطه وجود دارد.

جدول ۷: رگرسیون مربوط به فرضیه هفتم

سطح معناداری	t	متغیر وابسته شرایط محیط آموزشی		پیش بینی کننده ها
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	
		بتا	B خطای معیار	
۰۰۰	۱۲/۰۸۷		۰/۲۹۷ ۳۰/۵۸۴	عدد ثابت
۰۰۰	۱۱/۴۲۴	۰/۳۰۸	۰/۰۳۴ ۰/۲۸۹	تغییر سنی جمعیت

بین گروه های سنی می باشد به عبارت دیگر می توان بیان نمود تغییر سنی جمعیت بر شرایط محیط آموزشی تأثیر دارد.
به نظر می رسد بین تغییر سنی جمعیت و میزان شیوع جرم رابطه وجود دارد.

جدول ۸: رگرسیون مربوط به فرضیه هشتم

سطح معناداری	t	متغیر وابسته شرایط محیط آموزشی		پیش بینی کننده ها
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	
		بتا	B خطای معیار	
۰۰۰	۱۲/۰۸۷		۰/۲۹۷ ۳۰/۵۸۴	عدد ثابت
۰۰۰	۱۱/۴۲۴	۰/۳۰۸	۰/۰۳۴ ۰/۲۸۹	تغییر سنی جمعیت

تغییر سنی جمعیت بر شرایط محیط آموزشی تأثیر دارد.

نتیجه گیری

در بررسی فرض اول: بین سطوح مختلف سنی در خصوص تحصیلات تفاوت معناداری

وجود دارد

با توجه به آزمون تحلیل واریانس یک راهه فرض صفر تایید می شود. بدین معنی که تحصیلات در گروه های سنی تفاوت معناداری ندارد. در بررسی این سؤال با توجه به یافته ها و نتایج به دست آمده و با رجوع به چارچوب نظری پژوهش از نظریات مرتن، برای توضیح این یافته ها بهره می بریم به شکلی که از نظر مرتن عدم هماهنگی در هدف ها و وسیله رسیدن به هدف باعث ایجاد آنومی می شود که در زمینه تحصیلات می توان گفت افرادی که دارای تحصیلات پایین هستند شانس به دست آوردن شغل مناسب و کسب درآمد کافی را از دست داده و فقر و مشکلات اقتصادی سبب برهم خوردن آرامش خانواده، افزایش تنش و در نتیجه ایجاد ناهنجاری در آنها و اطرافیان می شود.

در بررسی فرض ۲: در بین گروه های سنی گوناگون در زمینه اشتغال تفاوت معناداری

وجود دارد

با توجه به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه فرض صفر رد می شود. بدین معنی که در اشتغال بین گروه های سنی تفاوت معناداری وجود دارد. و نتایج آزمون LSD نیز نشان می دهد که این تفاوت بین گروه های سنی ۲۲-۱۵ و ۳۵-۲۵ وجود دارد.

امروزه قسمت اعظم جوانان کشور پس از اتمام تحصیل به دنبال کار گشته و آنها که پارتی ندارند شغلی را نیز نمی یابند زیرا در استخدام افراد روابط بر ضوابط پیشی گرفته و خویشاوند گرایی جای شایسته سالاری را گرفته است و در نتیجه درصد بالایی از جوانان بیکار می مانند که اثرات بسیار مخربی بر روند رشد و توسعه اقتصادی داشته و از سوی دیگر معضلات اجتماعی را به دنبال دارد. بیکاری باعث افزایش فقر در جامعه شده. اعتماد به نفس را از بین برده و انگیزه زندگی را کاهش می دهد. سبب متلاشی شدن خانواده ها، افزایش فساد و جرایم بسیاری از ناهنجاری ها نظیر سرقت، قاچاق اسلحه و مواد مخدر، اعتیاد و ... می گردد.

در بررسی فرض ۳ به نظر می رسد تغییر سنی جمعیت در درآمد تفاوت ایجاد می کند.

با توجه به نتایج به دست آمده بین افراد متعلق به گروه های سنی مختلف درآمد متفاوتی وجود دارد و اینکه افراد دارای چه سطح درآمدی باشند در هنجارشکنی آنها تاثیر می گذارد.

در بررسی این سؤال با توجه به یافته ها و نتایج به دست آمده و با رجوع به چارچوب نظری پژوهش از نظریات آنومی اجتماعی مرتن استفاده کرده به شکلی که توجه مرتن به فرهنگ ها و جوامعی است که تأکید زیادی بر ارزش ها و هدف های فرهنگی دارند و وسیله

رسیدن به هدف مشخص نشده است از این رو عدم تناسب بین هدف ولی وسیله، تشکل و یکپارچگی فرهنگی به وجود نیامده و حالتی از احساس بی هنجاری و یا آنومی در جامعه حاکم می گردد.

مرتن در بیان نظریه خودش به هدف و وسایل مشروع برای رسیدن به هدف اشاره دارد و معتقد است وقتی شوق رسیدن به پله های رفیع اجتماعی در فرد و یا در جامعه رو به فزون رود افراد کمتر به محدودیت های اجتماعی و هنجار پای بند شده و آنها را رعایت می کنند چون می خواهد به هدف برسد در نتیجه وقتی رابطه بین هدف ها و وسایل و راه های رسیدن به هدف توازن خود را از دست می دهد در آن صورت افرادی که در یک ساختار اجتماعی بینش تر تحت فشار باشند بیشتر از بقیه رفتارهای انحرافی از خود نشان می دهند. می توان نتیجه گرفت که افراد با درآمد پایین چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی وقتی رابطه هدف و راه رسیدن به آن تغییر کند چه شرایطی پیدا می کنند، مثلاً گروه پایین هر روز در وسایل ارتباط عمومی و رسانه ها، تبلیغ کالایی را می بینند که دوست دارند داشته باشند و جزء اهدافشان می شود اما دستیابی به آموزش راه های ارتقاء برای کسب درآمد و رسیدن به آن هدف مقدور نیست (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۵۷).

در جامعه که بیکار زیاد است و افراد درآمد کافی برای رفع نیازهای اولیه خود ندارند گرایش به سرقت و خلاف و ... افزایش می یابد. و وضعیت روحی و روانی، گذراندن اوقات فراغت، شبکه روابط و محل سکونت همه از عواملی است که تحت تأثیر درآمد قرار دارد.

در بررسی فرض ۴ به نظر می رسد تغییر سنی جمعیت در مسکن تفاوت ایجاد می کند با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت تغییر سنی جمعیت در شرایط مسکن تفاوت ایجاد می کند. و نتایج آزمون LSD نیز نشان می دهد که افراد جوان تر با مشکل مسکن روبرو هستند با تکیه بر تئوری هیرشی که اعتقاد دارد زمانی که پیوند میان فرد و جامعه اش ضعیف می شود و یا از هم جدا می شود فرد دست به کج رفتاری می زند پس می توان چنین گفت که گاهی فرد هیچ وابستگی به دیگران احساس نمی کند و به آنها و عقاید و توقعات و نظراتشان و انتظاراتشان توجهی ندارد، نسبت به دیگران بی تفاوت می شود، هر عملی را انجام می دهد چون نسبت به دیگران تعلق ندارد در نتیجه وجود مسکنی که همه اعضای خانواده بتوانند در آن زندگی کنند می تواند عامل مهمی در جلوگیری از انحراف و هنجارشکنی در فرزندان باشد خانواده سالم و صمیمی با ایجاد انگیزه، تشویق و ترغیب، نظارت

بر رفتارهای نوجوان، امکان رشد عاطفی و اجتماعی نوجوان را فراهم آورد خانواده می تواند با نشان دادن واکنش مناسب به محض مشاهده کج رفتاری و تقویت جنبه های انسان دوستانه و مهرورزانه فرزندان خود به آنها کمک کند تا به صورت اعضای فعال و سرزنده جامعه درآیند.

در بررسی فرض پنجم: به نظر می رسد بین تغییر سنی جمعیت و فرزندپروری در خانواده رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیو با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت بین تغییر سنی جمعیت و فرزند پروری در خانواده رابطه وجود دارد. یعنی در گروه سنی بالاتر شیوه ها دموکراتیک و در سنین پایین شیوه استبدادی به چشم می خورد.

نتیجه به دست آمده از این فرض با نتایج تحقیق لعلی فاز و علی عسگری (۱۳۸۷) تحت عنوان «توان پیش بینی سبک های فرزندپروری بر احساس تنهایی دختران دانش آموز»، مطابقت داشت، که این تحقیق بر روی ۴۱۶ نفر از دختران شهر مشهد انجام شد. نتایج به دست آمده براساس رگرسیون چند متغیره گام به گام نشان دهنده شیوه دموکراتیک در گروه سنی بالاتر می باشد

در بررسی یافته های این سؤال به نظریات بیتسون و تکیه می کنیم، بیتسون اعتقاد دارد در تعاملات درون اعضاء باید کودک به بلاتکلیفی روانی مبتلا نشود و بتواند ساختار خانواده را درک کرده، نقش خانواده را دریافته و از طرق شیوه فرزندپروری دموکراسی، مناسب ترین الگوی تعاملی را بکار گیرد. هر گونه شیوه فرزندپروری نامناسب که از روند دموکراسی خارج می گردد و به شیوه دیکتاتوری و هرج و مرج منجر می شود، موجبات بلاتکلیفی روانی را در کودک ایجاد کرده و آسیب پذیری خاصی را در کارکرد خانواده و اجتماع ایجاد می کند

در بررسی فرض ششم: بین تغییر سنی جمعیت و عقاید مذهبی رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت بین تغییر سنی جمعیت و عقاید مذهبی رابطه وجود دارد. یعنی در گروه سنی بالاتر و عقاید مذهبی بیشتر و در سنین پایین، عقاید مذهبی کمتر به چشم می خورد در بررسی یافته های این سؤال به نظریات دورکیم تکیه می کنیم. دورکیم در آنومی و بی هنجاری به رابطه بین انحراف و تضعیف هنجارها اشاره دارد و به اعتقاد وی این انحراف نوعی عکس العمل مردم جامعه در حال انتقال از مرحله سنتی به مدرن است. او معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار آرزوها از طریق هنجارها تمدید می شوند و با ناهنجاری ها و به تبع آن از بین رفتن

آرزوها، آنومی یا یک وضعیت غیر قابل تمديد آرزوها ایجاد می شود که دست نیافتنی می شوند پس یک وضعیت ناراضی اجتماعی دائمی ایجاد می شود که خود را به شکل های مختلف نشان می دهد. (رفیع پور، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، ۱۳۷۸). بنابراین دورکیم افزایش سطح توجهات و آرزوها و خواسته ها را عامل دیگر در بروز انحرافات اجتماعی می داند که در مورد جوانان هم تحقق پیدا می کند و در این پژوهش کاربرد دارد. هم چنین دورکیم به این هم اشاره دارد علیرغم تاکیدش بر اعمال نظارت خارجی به عنوان مهار کننده آرزوهای انسانی برای دین و مذهب به عنوان یک عامل نظارت درونی نقش ویژه ای قائل است. به نظر او دین یک پدیده سراسر جمعی و باعث انسجام اجتماعی می شود و یک الزام اخلاقی ایجاد می کند پس هر چه این نظارت درونی (مذهب) کمتر شود، احتمال بروز رفتار انحرافی بیشتر می شود که یکی از سؤال های پژوهش مصداق پیدا می کند.

پرداختن به هنجارهای دینی و اعتقاد به توحید و معاد یکی از موثرترین راه های جلوگیری از ارتکاب جرایم می باشد انسانهایی که به حیات بعد از مرگ و پاداش و مجازات در آن اعتقاد دارند هر گاه مرتکب گناهی شوند عذاب وجدان گرفته و سعی می کنند با توبه دیگر مرتکب آن خلاف نشوند یعنی دستورات دینی و اعتقاد به مبدأ و معاد مانند سدی مانع از جرائم می گردد. همانطور که آمار و ارقام نشان می دهد در ماه رمضان درصد ارتکاب به جرم حدود ۲۰ تا ۳۰٪ کاهش می یابد ایمان قوی ترین نیروی بازدارنده از رذالت های اخلاقی است اما در جامعه ای که جوانان به مسائل دینی توجه نکرده و اعتقاد به معاد ندارند این سد درونی را از دست داده و در اثر ضعف ایمان مرتکب انواع جرایم و بزهکاریها می گردند.

در بررسی فرض هفتم: به نظر می رسد بین تغییر سنی جمعیت و شرایط محیط آموزشی رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت بین تغییر سنی جمعیت شرایط محیط آموزشی رابطه وجود دارد. محیط تحصیلی در همنوایی افراد با ناهنجاری های اجتماعی نقش اساسی دارد. مدرسه پس از خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی در جامعه پذیری افراد است، به گونه ای که بنیان های سازگاری و ناسازگاری افراد با هنجارهای جامعه نخست باید در چگونگی تربیت او در محیط خانواده و سپس چگونگی پرورش او در محیط تحصیلی جستجو کرد.

مدرسه موقعیت هایی را برای ترویج برابری اجتماعی تکثرگرایی فرهنگی ایجاد و به افراد کمک می نماید تا صلاحیت ها و مهارت های اخلاقی را به دست آورده و به عنوان یک شهروند

احساس مسئولیت نمایند. بدین سان مدرسه می تواند به افراد زمینه قانون مندی، بزهکاری، پیامدهای آن و راه های جلوگیری از ارتکاب جرم آموزش های مورد نیاز را ارائه دهد. از این رو است که از سالهای آغازین قرن ۱۹ میلادی تا امروز همواره از سوی حقوقدانان، سیاستمداران و اسناد بین المللی بر آموزش و پرورش همگانی، رایگان و حتی اجباری تاکید می شود (دانش، ۱۳۸۱، ص ۱۸ - ۳۱۲)

در بررسی یافته های این پرسش به تئوری یادگیری اجتماعی بندورا و نظریه برچسب در کج رفتاری رجوع می کنیم. بندورا با نقد رفتارگرایی افراطی بر این باور تاکید دارد که عوامل رفتاری اداری و محیطی در تعامل با یکدیگر شکل دهنده شخصیت افراد هستند به عبارت دیگر، رفتار عوامل فردی و نیروهای اجتماعی همگی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می پذیرند. او تاکید ویژه ای بر نقش یادگیری مشاهده ای بر رفتار داشت.

در محیطی که تبعیض و بی عدالتی مریبان در امور تحصیلی، توبیخ در حضور دیگران، ریاکاری، تناقضات و تضادهای اجتماعی - اقتصادی موجود در محیط مدارس بر وضوح قابل مشاهده است همه آنها شکل دهنده شخصیت دانش آموز است.

در بررسی فرض هشتم: به نظر می رسد بین تغییر سنی جمعیت و میزان شیوع جرم رابطه وجود دارد.

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیو با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت بین تغییر سنی جمعیت و شیوع جرم رابطه وجود دارد در یافته های این سؤال به نظریات بیکرو لمرت و تکیه می کنیم بیکرو لمرت بر این نکته تاکید داشتند که نظریه برچسب بیش تر توجه را معطوف قانون گذاران می سازد تا قانون شکنان بیکر عقیده داشت که افراد و گروه های اجتماعی، سعی آن را دارند که سایر گروه های جامعه را به سازگاری با ارزش ها و قواعد رفتاری خود مجبو سازند. در نتیجه تعاریف و مفاهیم مورد نظر خود را درباره انحرافات اجتماعی بر سایرین تحمیل می کنند. پس می توان گفت برچسب ها، نمادها، نشانه ها و رنگ هایی که به اشکال تحقیر، تمسخر و تهمت و توهین و سرزنش و تنبیه بدنی و روحی در این فرآیند به افراد و در این پژوهش خصوصاً به دانش آموزان زده می شود و افرادی که در معرض این برچسب ها هستند منحرف بوده و سرانجام منجر به تکرار جرم در آنها می شود

منابع

فارسی

- بیرو، آ (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. مترجم: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان
- جباریان، ش (۱۳۸۵). رابطه شیوه فرزند پروری والدین و رفتار خطر آفرین نوجوانان. دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی
- شامبیانی، هوشنگ (۱۳۷۳). بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات ویسار
- شهر آرای، م ن (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه های فرزند پروری مادر با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی. دانشگاه تربیت معلم
- عضدانلو، ح (۱۳۸۶). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی. تهران: نشر نی
- طهراری، ک. (۱۳۷۰). فقر و اشتغال در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره فروردین و اردیبهشت
- شبخی، محمد تقی، جامعه شناسی جهان سوم، تهران: انتشارات اشراقی، ۱۳۶۹.
- قره باغیان، م و خسروی نژاد، ع ا (۱۳۷۸). بررسی منابع رشد اقتصادی در ایران. پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- کوئن، ب (۱۳۷۱). درآمدی به جامعه شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر
- وثوقی، م. و نیک خلق، ع ا. (۱۳۷۰). مبانی جامعه شناسی. تهران: انتشارات خردمند
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه. تهران: نشر انتشار.

انگلیسی

- Andersson, B (2001), **Scandinavian Evidence on Growth and Age structure**, Regional Studies, Vol 35, No 5, pp 377-390.

-
- Bhenda J. A (1981). **Socialization in the context of family: parent- child interaction in E.M.health rhngaton**. Handbook of child psychology. New York.